



www.ketab.ir

سرشناسه: قرشی، باقر شریف، ۱۹۲۶
عنوان و نام پدیدآور: قطره ای از دریای فضائل جواد آل طه (علیه السلام): بررسی و تحلیل زندگانی امام جواد علیه السلام
مشخصات نشر: تهران ادريس ۱۳۹۴
مشخصات ظاهري: ۲۹۲
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۷۵۹-۳۳-۲
وضعیت فهرست‌نویسی: فبیای مختصر
شناسه افزوده: مرتضوی، سید ابراهیم ۱۳۶۶
شناسه افزوده: احسانی، کیوان ۱۳۳۹
شماره کتاب‌شناسی: ۳۸۱۳۵۵



انتشارات ادريس

تهران، صندوق پستی: ۱۷۱۸۵-۱۱۴، تلفن: ۳۳۳۱۳۸۹۰

Email: nashrcedris@gmail.com

قطره ای از دریای فضائل جواد آل طه (ع)

بررسی و تحلیل زندگانی امام جواد (علیه اسلام)

مؤلف: باقر شریف القرشی

مترجمین: سید ابراهیم مرتضوی - دکتر کیوان احسانی

لیتوگرافی سبز • چاپ‌خانه تک • صحافی تک
نوبت چاپ نخست: ۱۳۹۴ • شمارگان ۱۰۰۰ نسخه
قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان • شماره نشر ۵۱

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۷۵۹-۳۳-۲

© حق چاپ: ۱۳۹۴، نشر ادريس

فهرست

پیشگفتار	۱۴
اهداء	۱۷
مقدمه مؤلف	۱۸
تولد و رشد و نمو ایشان	۲۷
خاندان برجسته	۲۷
پدر	۲۷
مادر	۲۸
نوزاد با عظمت	۳۰
سرور و خوشحالی امام رضا (ع)	۳۱
آداب و رسوم ولادت فرزند	۳۱
کنیه امام جواد (ع)	۳۲
لقاب امام جواد (ع)	۳۲
سیمای امام جواد (ع)	۳۳
سال ولادت	۳۴
نقش انگشتی امام (ع)	۳۴
تربیت و پرورش	۳۴
هوش و نبوغ	۳۵
تمجید امام رضا (ع) از [فرزندش] جواد	۳۷
احترام و تکریم	۳۸
بیان برخی دیدگاه‌ها درباره شخصیت امام (ع)	۴۰



۴۳	مکارم اخلاق امام رضا (ع)
۴۵	زهد امام (ع)
۴۶	بخشنده‌گی امام رضا (ع)
۴۸	دانش امام رضا (ع)
۴۹	عبادت امام رضا (ع)
۵۰	نظرات و سخنان دانشمندان درباره امام رضا (ع)
۵۲	مدح شاعران
۵۳	اکراه و به زور واداشتن امام برای پذیرش ولایت عهدی
۵۴	خطبه مأمون
۵۴	مجالس شادمانی و سرور
۵۵	ادامه شرح حال امام جواد (ع)
۵۵	در خدمت پدر
۵۵	نامه امام رضا به امام جواد (علیهما السلام)
۵۶	نص امام رضا بر امامت فرزندش جواد (علیهما السلام)
۵۹	نیرنگ مأمون نسبت به امام رضا (ع)
۶۳	ترور امام (ع) بوسیله مأمون
۶۵	سوگواری کردن مأمون برای امام (ع)
۶۵	تجهیز جسد امام (ع)
۶۶	آخرین منزلگاه
۶۷	فضیلت زیارت امام رضا (ع)
۶۸	تسلیم گفتن مسلمانان به امام جواد (ع)
۶۹	دوران حیرت و سرگشتگی شیعیان
۷۰	ورود فقهاء و دانشمندان

برخی از اوصاف والای امام (ع).....	۷۳
امامت.....	۷۴
اهداف امامت.....	۷۴
صفات امام (ع).....	۷۶
علم.....	۷۶
عصمت.....	۷۸
عبادت.....	۷۸
نوافل.....	۷۹
حج.....	۸۰
برخی از دعا‌های حضرت.....	۸۱
زهد.....	۸۲
کرم و گشاده‌دستی.....	۸۳
احسان و نیکی به مردم.....	۸۵
همدردی با مردم.....	۸۶
علوم و معارف.....	۸۸
احادیث.....	۸۹
توحید.....	۹۴
مباحث فقهی.....	۱۰۰
نماز.....	۱۰۰
زکات.....	۱۰۲
خمس.....	۱۰۲
حج.....	۱۰۵
نذر.....	۱۰۷



- کفاره شکستن پیمان ۱۰۸
- وقف ۱۰۸
- ازدواج ۱۱۰
- طلاق ۱۱۱
- رضاع (محرمیت از راه شیر دادن) ۱۱۱
- حلال بودن ازدواج زناکار با زنادهنده! ۱۱۲
- محروم بودن وکد زنا از ارث ۱۱۳
- شَفْعَةُ [حق تقدم در خرید] ۱۱۳
- ارث ۱۱۴
- فلسفه احکام ۱۱۵
- بشارت ظهور مهدی (ع) ۱۱۷
- برخی از [نشانه‌های] ایمان حقیقی ۱۲۰
- مکارم اخلاق ۱۲۱
- برآوردن نیازهای مردم ۱۲۲
- برخی از آداب مربوط به رفتار ۱۲۲
- دعوت به عمل نیکو ۱۲۳
- برخی از مواعظ امام ۱۲۳
- نامه های امام ۱۲۵
- توبه ۱۲۸
- وحی خداوند به برخی از پیامبرانش ۱۲۸
- آنچه که مؤمن به آن نیاز دارد! ۱۲۹
- حکمت‌های متعالی و زیبا ۱۲۹
- اصحاب و راویان حدیث امام ۱۴۲

حرف الف.....	۱۴۳
طبقة او در حدیث	۱۴۹
وفات او	۱۴۹
تالیفات او	۱۴۹
طعن بر او	۱۵۰
طبقة او در حدیث	۱۵۰
تالیفات او	۱۵۱
طبقة او در حدیث	۱۵۱
حرف جیم	۱۵۲
حرف حاء	۱۵۳
طبقة او در حدیث	۱۵۷
حرف خاء	۱۵۹
حرف دال	۱۶۱
حرف ز	۱۶۳
حرف سین	۱۶۴
حرف ش	۱۶۵
حرف ص	۱۶۵
حرف ع	۱۶۹
حرف ق	۱۷۸
حرف میم	۱۷۸
تالیفات او	۱۸۱
حرف نون	۱۹۰
حرف هاء	۱۹۰



حرف یاء.....	۱۹۰
کنیه‌ها.....	۱۹۰
زنان.....	۱۹۱
دوران امام(ع).....	۱۹۲
حیات فرهنگی.....	۱۹۳
مراکز فرهنگی.....	۱۹۳
دانشهای رایج در عصر امام.....	۱۹۶
ترجمه کتابها.....	۲۰۰
مدارس و کتابخانه‌ها.....	۲۰۱
اطلسها و رصدخانه‌ها.....	۲۰۱
حیات سیاسی.....	۲۰۲
شیوه حکومت.....	۲۰۲
خلافت موروئی.....	۲۰۳
اقدامی ناهنجار.....	۲۰۵
وزارت.....	۲۰۶
آشوب میان امین و مأمون.....	۲۰۸
ویژگیهای امین.....	۲۰۸
عزل مأمون.....	۲۱۱
جنگهای ویرانگر.....	۲۱۱
محاصره بغداد.....	۲۱۲
به قتل رساندن امین.....	۲۱۳
خلافت ابراهیم خلیع.....	۲۱۴
فرار ابراهیم.....	۲۱۵

قیام ابو السرایا	۲۱۶
بیعت کردن عباسیان با علویان	۲۱۸
ربودن حکومت [از علویان] بوسیله عباسیان	۲۱۹
ناکام شدن امید و آرزوهای مسلمانان	۲۲۰
مسئله خلق قرآن	۲۲۵
شرایط اقتصادی	۲۲۶
درآمدهای دولت	۲۲۷
عشق به ثروت اندوزی	۲۲۸
انباشت ثروت	۲۲۸
مخارجی که مأمون درباره همسرانش هزینه میکرد	۲۲۹
بخششها و عطایا	۲۳۱
خرید کنیزکان	۲۳۲
تفنن در بناء	۲۳۳
اثاثیه خانه	۲۳۴
لباس	۲۳۵
انواع غذاها	۲۳۶
اموال به ارث مانده از عباسیان	۲۳۶
سرگرمی و خوشگذرانی	۲۳۷
پارسایی و زهد	۲۳۹
خلقیات و ویژگیهای مأمون	۲۴۱
شیفتگی به موسیقی	۲۴۴
تظاهر به تشیع	۲۴۴
ادامه شرح حال امام جواد (ع)	۲۴۶





- ۲۴۶..... نخستین دیدار
- ۲۴۸..... ازدواج امام با دختر مأمون
- ۲۴۸..... اسباب خویشاوندی
- ۲۵۰..... به وحشت افتادن عباسیان
- ۲۵۱..... ملاقات عباسیان با مأمون
- ۲۵۴..... انتخاب شدن یحیی برای امتحان کردن امام
- ۲۵۴..... پرسشهای یحیی
- ۲۵۶..... همراه ابن تیمیه
- ۲۶۲..... خطبه عقد
- ۲۶۴..... مأمون خواستار روشن ساختن مسأله میشود!
- ۲۶۷..... پرسش حضرت از یحیی
- ۲۶۹..... پیشکش ها به مناسبت عقد ازدواج
- ۲۷۰..... تعظیم و تکریم امام توسط مردم
- ۲۷۰..... سخنرانیهای امام در بغداد
- ۲۷۱..... مسافرت به یثرب
- ۲۷۱..... آغاز زندگی مشترک با ام فضل
- ۲۷۲..... تهنیت‌گویان به مناسبت ازدواج
- ۲۷۴..... عزیمت از بغداد
- ۲۷۴..... کرامتی از امام(ع)
- ۲۷۵..... ام فضل از دست امام به پدرش شکوه میکند!
- ۲۷۶..... تعیین حقوق سالانه برای امام
- ۲۷۶..... وفات مأمون
- ۲۷۹..... سرانجام کار

۲۷۹	ویژگیها و صفات معتصم
۲۸۲	ادامه شرح حال امام جواد(ع)
۲۸۲	فرستادن امام به بغداد
۲۸۳	سعیات کردن از امام
۲۸۵	پیشگویی امام درباره رحلت خود
۲۸۶	برگزیدن فرزندش هادی به عنوان امام بعد از خود
۲۸۷	به قتل رساندن امام(ع)
۲۸۸	علل به قتل رساندن امام(ع)
۲۸۹	رهسپار خانه بهشت
۲۹۰	تجهیز و تدفین
۲۹۰	مدت عمر
۲۹۱	سال وفات



پیشگفتار

کتاب پیش رو، ترجمه‌ای از کتاب «حیاء الامام الجواد، دراسة و تحلیل» تألیف باقر شریف القرشی از دانشمندان فقید نجف است. ایشان در سال ۱۳۴۴ق در شهر نجف متولد شد. پدرش شیخ شریف از علمای نجف و جدش شیخ مهدی قرشی از شاگردان میرزای شیرازی بود. «قرش» یا «قرش» از خاندان‌های شناخته شده نجف است.

باقر شریف از کودکی به تحصیل مشغول شد و پس از طی کردن دروس اولیه و آموختن ادبیات، از سال ۱۳۸۰ قمری به درس خارج فقه و اصول پرداخت.

او از محضر اساتید بزرگی همچون سید موسی البعاج، شیخ بشیر العاملی، شیخ محمد تقی الایروانی، سید محمود مرعشی نجفی، شیخ محمد طاهر آل شیخ راضی، آیت الله خویی و آیت الله سید محسن حکیم بهره برد. به گفته خود وی، بیست سال در دروس مرحوم خویی حاضر شده و مباحث علمی و مهم وی را در فقه و اصول نوشته است که به صورت خطی در کتابخانه امام حسن (ع) در نجف نگهداری می شود.

به گفته وی در زمان عبدالکریم قاسم که تفکرات کمونیستی در حال گسترش بود و طرفداران این مکتب سمینارها و مراسمی برگزار می کردند، باقر شریف، به همراه برخی علما و طلاب مانند: محمد حسین حرزالدین به مقابله با کمونیسم و طرفداران آن پرداخته و با سخنرانی ها و اعلامیه های مختلف سعی بر آگاه کردن اقشار و عامه مردم داشته اند. همچنین در این

زمینه به نگارش کتاب‌های مختلفی از جمله «العمل و حقوق العامل فی الاسلام»، «فی انظمه الحکم و الاداره» دست زدند که قابل توجه واقع شد. پس از آن در پی گفتگو با شهید محمد باقر صدر تصمیم به تألیف روشمند در زمینه اهل بیت (ع) گرفت و بیش از ۱۵۰ اثر از وی منتشر شده که از این تعداد، ۴۶ اثر راجع به اهل بیت (ع) است.

آثاری که ایشان راجع به سیره ۱۴ معصوم نگاشته است، با آنکه متعدّدند، در سبک و روش تألیف تفاوتی ندارند و ویژگی‌های آن را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

اولین ویژگی این آثار تتبع فراوانی است که مؤلف انجام داده و به منابع بسیاری مراجعه کرده است. این منابع، منحصر به کتب تاریخ و حدیث یا فقط منابع معتبر نیست همانگونه که به مآخذ کهن و دست اول اکتفا نکرده و آثار متأخران را نیز دیده است. همچنین منابع وی در فرقه‌ای خاص منحصر نشده و کتب شیعه و سنی را دیده است. از این رو ارجاع به منابع متعدد و متنوع از ویژگی‌های دیگر آثار این نویسنده است. از خصوصیات دیگر، تنوع در عناوین است. مؤلف همه موضوعات و مباحث مربوط به زندگی یک امام را به خوبی گزارش کرده و عنوانی خاص برای هر یک قرار داده است. لذا تنوع تیتراها و سرفصل‌ها در دستیابی خواننده به زندگی هر امام مؤثر است. پس از بیان شرح کاملی از زندگی هر امام، روایات منقول از آن امام در موضوعات مختلف کلامی، تفسیری، اخلاقی، فقهی و ... را به تفصیل نقل کرده و گاه بخش قابل توجهی از یک مجموعه را به این روایات اختصاص می‌دهد. کتب و آثار منسوب به ائمه (ع) نیز



بخش دیگری از این مجموعه‌ها را تشکیل می‌دهد. همچنین در هر مجموعه به تفصیل از یاران و راویان ائمه (ع) نام برده و شرح حال مختصری از آنان ارائه می‌دهد. مؤلف به شرح حال امام و یارانش اکتفا نکرده و از اوضاع دوران معاصرش نیز سخن گفته است. یکی از بخش‌های این آثار، بیان نظرات افراد مختلف، از دوست و دشمن، درباره هر امام است که در این قسمت حتی از متأخران و نویسندگان معاصر نیز نقل قول کرده است.

باقر شریف تلاش کرده از تحلیل و اظهار نظر درباره روایات فروگذار نکند و به خصوص در مواردی که یک خبر با مسلمات تاریخی و گاه با اصول مذهبی شیعه سازگار نیست، به بررسی آن پرداخته است.

مؤلف در آثار خود مقید به ذکر منابع در باورقی‌هاست. به رغم دقت و تحقیق وی، به نظر می‌رسد در مواردی هم به قلم‌فرسایی و توضیح واضحات دچار شده و هم نگاه غالب سنتی در آثار مربوط به ائمه (ع) را از دست نداده است. همچنین در موضوع راویان بیشتر به جمع‌آوری پرداخته و بررسی کافی انجام نشده و مشترکات از هم تفکیک نشده‌اند (نرم افزار سیره معصومین).

بسیاری از آثار باقر شریف به فارسی ترجمه شده است اما با جستجویی که انجام گرفت، ترجمه این اثر یافت نشد. لذا بر آن شدیم تا این کتاب ارزشمند را به فارسی ترجمه کرده و در اختیار علاقمندان قرار دهیم.

آثار بشری، هیچگاه خالی از نقص نبوده‌اند و این ترجمه نیز قطعاً با کاستی‌هایی همراه است. لذا از خوانندگان عزیز تقاضا داریم نظرات

ارزشمند خود را در خصوص کاستی‌های ترجمه به ما انتقال داده تا «ان شاء الله» در چاپ‌های بعدی مد نظر قرار گیرد.

اهداء

این اثر را که در آن افتخار یافتیم تا سیره امام محمد جواد(ع)-معجزه اندیشه و دانش- را مورد بحث و بررسی قرار دهیم، با نهایت خضوع و خشوع به عقل الهام بخش...کسی که حیات علمی و فکری را در زمین پایه ریزی کرد...و به اندیشه نوآفرین...کسی که خلاقیت و نوآوری را برای مسلمانان بنیان نهاد... به امام بزرگوار، جعفر صادق(ع) تقدیم می‌کنم. امیدوارم که مقبول افتد.



مقدمه مؤلف

۱) ابوجعفر ثانی، امام محمد جواد(ع)، از باشکوه‌ترین اندیشمندان و دانشورانی محسوب می‌شود که دارای اصیل‌ترین فضایل و خصلت‌های دنیا بود و چشمه‌های حکمت و دانش را در زمین جاری ساخت. او معلم و پیشوای نهضت علمی و فرهنگی در زمان خویش بود و دانشمندان، فقیهان، راویان حدیث و طالبان حکمت و معارف به حضرتش روی آورده و از دانش و اخلاق زلالش سیراب می‌شدند. فقیهان، روایات بسیاری مربوط به احکام شریعت اسلام مانند: عبادات، معاملات و ابواب دیگر فقهی از امام(ع) نقل کرده‌اند و این روایات در معجم‌های فقهی و حدیثی تدوین شده است.

این امام بزرگوار یکی از مؤسسين فقه اهل بیت بود؛ فقهی که نوآوری، اصالت و نواندیشی [از خصایص آن] تلقی می‌شود.

دانشمندان حکمت‌هایی سودمند و آدابی که به خصایص اصیل اخلاقی و آداب رفتاری اختصاص دارد، از ایشان نقل کرده‌اند که این موارد، از بارزترین حکمت‌های نقل شده در اسلام است که مسائل گوناگون تربیتی و اخلاقی را مورد بحث و بررسی قرار داده است.

۲) ابوجعفر امام جواد(ع)، با استعدادها، نبوغ و توانایی‌های علمی شگرف و بی‌حد و مرز خود، حقیقت تابانی را اثبات کرد که اعتقاد شیعه است مبنی بر اینکه امام باید داناترین و برترین انسان زمان خویش بوده و تفاوتی نمی‌کند که خردسال یا بزرگسال باشد؛ زیرا خداوند، امان اهل بیت(ع) را مانند پیامبران و رسولان اولوا العزم(ع)، با علم، حکمت و فصل الخطاب مجهز ساخته است و این مسئله، یکی از عناصر حیاتی در عقیده شیعه قلمداد می‌شود.

امام جواد(ع) اعتقاد شیعه را به روشنی آشکار کرد و امامت و رهبری دینی را بعد از وفات پدرش، امام رضا(ع) بر عهده گرفت، در حالیکه عمر شریفش بنابر اتفاق مورخان - از هفت سال بیش تر نبود و این سن، سنی است که بر اساس روانشناسی کودک به صاحبش اجازه نمی‌دهد تا در هیچ یک از عرصه‌های علوم عقلی خوض کند و یا به عرصه مناظرات و بحث‌های جدلی با دانشمندان بزرگ و متخصصان وارد شود زیرا این امر برای کسی که در سنین کودکی قرار دارد، غیر ممکن است اما امام جواد(ع) در همین سنین کودکی، این عادت را نقض کرد.

معروف‌ترین دانشمندان زمانش، درباره پیچیده‌ترین مسائل فلسفی، کلامی و فقهی از ایشان سؤال کردند و حضرت نیز آن مسائل را پاسخ گفت. از جمله کسانی که از امام(ع) پرسش نمود، یحیی بن اکثم، قاضی القضاة بغداد بود که بنی عباس او را برای آزمودن امام انتخاب کرده بودند. وی راجع به مسأله‌ای فقهی از حضرت سؤال پرسید و حضرت شقوق گوناگون آن را به تفصیل بیان فرمود، سپس درباره هریک از فروع، از یحیی سؤال پرسید؛ اما یحیی نتوانست به آن پاسخ گوید و از تنگنایی که در آن قرار گرفته بود، رهایی یابد و در نتیجه به ناتوانی خود در رقابت با امام(ع) اعتراف کرد.

مناظره‌های امام(ع) با یحیی و دیگر دانشمندان زمانش، افکار عمومی را در بغداد و شهرهای دیگر متوجه خود ساخت و نقل محافل و مجالس گردید و رهگذران نیز در مورد آن صحبت می‌کردند و همچنان نیز برگستره تاریخ شگفتی می‌آفریند.

نکته‌ای که دانش فراوان امام(ع) را، علی رغم سن کمش، تأیید می‌کند این است که فقهاء شیعه بعد از وفات امام رضا(ع) شتابان به یثرب



رفتند تا امام بعد از ایشان را بشناسند. افراد مُعتمد، آنان را متوجه امام جواد(ع) ساختند و آنان نیز به حضور حضرت رفته و دربارهٔ عمیق‌ترین و پیچیده‌ترین مسائل از ایشان سؤال کردند و حضرت پاسخشان را داد. راویان گفته‌اند: در مجلسی دیگر، راجع به سی هزار مسأله از امام(ع) سؤال کردند و حضرت به آنها پاسخ فرمود. روشن است که هیچ توجیهی برای این قضیهٔ شگفت آور وجود ندارد جز آنچه که شیعهٔ امامیه به آن باور دارند که خداوند متعال به ائمهٔ اهل بیت(ع)، دانشی را ارزانی داشته و از فضل خود چیزی به آنان عنایت کرده است که به هیچ یک از مردم نداده است.

۳) برخی از مورخان می‌گویند که استعدادها و نبوغ امام جواد(ع)، مأمون را شیفتهٔ خود ساخته بود و به همین خاطر حضرت را از صمیم قلب دوست می‌داشت و به او سخت عشق می‌ورزید و وی را بر فرزندان و اهل بیتش ترجیح می‌داد و دخترش ام فضل را به همسری وی درآورد و هدایای فراوانی به او بخشید و به مقامات حکومتی خود و سایر ارگان‌های رسمی دستور داد تا به حضرت احترام گزارده و او را بزرگ‌دارند. این کارهای مأمون حقیقی نبود بلکه به آن تظاهر می‌کرد. ما در مباحث آیندهٔ کتاب، به این مسئله می‌پردازیم.

۴) امام جواد(ع) نه تنها در طول حیات خویش، هیچ فشار اقتصادی را متحمل نشد بلکه در نهایت رفاه زندگی می‌کرد زیرا مأمون حقوقی سالیانه به حضرت اختصاص داده بود که به حدود یک میلیون درهم می‌رسید و این مبلغ در آن زمان، مبلغ بسیاری بود؛ چرا که هر درهم با قیمت یک گوسفند برابری می‌کرد.

علاوه بر این، وجوه فراوانی از حقوق شرعیه به خدمت ایشان ارسال می‌شد، حقوقی که شیعیان معتقدند باید آن را به امام بپردازند مانند: نیمی از خُمس که فقهاء شیعه امامیه آن را «سهم امام» نام نهاده‌اند، اموال مجهول المالک و حقوق شرعی دیگر، به اضافه درآمدهای حاصل از موقوفه‌ها که برخی از نیکوکاران شیعه در قم و شهرهای دیگر، آن را برای اهل بیت (ع) وقف کرده بودند. حضرت در هزینه کردن این درآمدها در مصارف شخصی خویش، میانه‌روی می‌کرد و آن اموال فراوان را به فقیران مسلمان، نیازمندان و بیچارگان انفاق می‌نمود و به خاطر این سخاوت بی‌نظیر، حضرت را «جواد» لقب داده‌اند و این لقب از مشهورترین القاب ایشان است و با این لقب در میان مردم شناخته شده است.

۵) هاله‌ای از احترام و تکریم، امام محمدجواد (ع) را دربر گرفته بود و همه محافل، ایشان را بسیار تحسین و تعظیم می‌کردند؛ چراکه در شخصیت او، امتداد ذاتی شخصیت پدران بزرگوارش (ع) را که مشعل هدایت و نیکی به مردم را با خود داشتند، می‌دیدند؛ اما امام (ع) به رفاه و نعمت‌های دنیوی‌ای که او را دربر گرفته بود، اعتنایی نداشت و زهدورزی در دنیا را پیشه خود ساخته بود.

حسین مکاری حضرت را در بغداد دید که مردم بسیاری اطرافش را گرفته بودند. وی با خود اندیشید: [با رفاه و نعمتی که اکنون در آن قرار دارد، در بغداد می‌ماند و] زندگی زاهدانه [در مدینه] و اقبال به سوی خدا را رها می‌کند. امام (ع) حرف دلش را فهمید و به او نزدیک شد و فرمود: ای حسین! خوردن آنان جوین و نمک ساییده شده در حرم جدم رسول



الله (ص)، از وضعیتی که مرا در آن مشاهده می‌کنی، برایم دوست داشتنی‌تر است.^۱

این مسئله یکی از عناصر بارز در سیره امام محمد جواد (ع) بود، همان‌طور که عنصر آشکاری در سیره ائمه اهل بیت (ع) به حساب می‌آید. درباره هیچ‌یک از آنان نقل نشده که برای دنیا تلاش کرده و به لذایذ دنیوی توجه داشتند بلکه تمام آن‌ها طاعت الهی را برگزیده و خواهان سرای آخرت بودند و هر عملی را که باعث تقریبشان به خداوند می‌شد، انجام می‌دادند.

امام جواد (ع) در مدت زمان کوتاه زندگی خود، به ترویج علم و دانش مشغول بود و اصول و مبانی آن را پی‌ریزی کرد. ایشان هنگامی که در بغداد اقامت داشت، به تدریس، نشر علم و شفاف‌سازی اندیشه مردم بوسیله معارف و آداب اسلامی اشتغال داشت و تعداد زیادی از دانشمندان و راویان گردآگرد حضرتش را گرفته و علوم اسلامی مانند علم کلام و فلسفه، علم فقه و تفسیر را از ایشان فرامی‌گرفتند. این کتاب، شرح حال آنان را بیان می‌کند و به شکل مفصل درباره زندگی‌شان، آن‌گونه که کتب تراجم تصریح کرده‌اند، بحث می‌کند، زیرا سخن گفتن در مورد آن‌ها، از مکملات بحث از شخصیت امام (ع) محسوب می‌شود.

۶) دوران امام جواد (ع) از شکوفاترین دوره‌های اسلامی در گستره تاریخ است؛ زیرا تمدن و فرهنگ به شکلی وسیع در این دوران گسترده شد و از زیباترین اشکال آن تمدن، پیشرفت علوم، گسترش آموزشگاه‌ها، تأسیس کتابخانه‌ها، ترجمه کتاب‌های پزشکی و فلسفی از زبان یونانی و زبان‌های دیگر به زبان عربی بود. در این زمان، بغداد به مرکزی از بزرگترین مراکز

^۱ انبیاء الهداة، ۶، ۱۸۵.

علمی و فکری در اسلام تبدیل شد و با حضور دانشمندان بزرگ و متخصصان علوم پزشکی، لغت‌شناسان و متخصصان علوم دیگر، رونق گرفت و شکوفا شد. زندگی اقتصادی و وضع معیشتی نیز تا حد زیادی تکامل و توسعه یافت، اما بسی جای تأسف است که اموال میلیونی نزد برخی از طبقات انباشته شد و اموال همین طبقات بود که در خدمت حکومت عباسی قرار می‌گرفت و مصالح آنان را تأمین می‌کرد. این طبقه، ثروت بسیار زیادی داشتند تا جایی که نمی‌دانستند ثروت خود را چگونه به مصرف برسانند و تا جایی که درب‌های خانه‌های خود را از طلا ساختند و به انواع شهوات و خوشگذرانی‌ها مشغول شدند در حالیکه اکثریت قریب به اتفاق ملت‌های مسلمان، از تلخی زندگی و فقر و ناداری رنج می‌بردند.

ما در این کتاب [دوران امام جواد(ع) و همه شاخصه‌های مدنی و فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مربوط به این عصر را بررسی کرده‌ایم؛ چرا که پژوهشی بدین شکل درباره عصرها از مطالعات نظام‌مندی است که پژوهشگرگزیری از آن ندارد. این کتاب فقط به بررسی زندگانی امام محمد جواد(ع) اختصاص ندارد بلکه پژوهشی است که به بررسی دوران اسلامی، که حضرت در آن پرورش یافته است، نیز پرداخته است.

۷) سخن گفتن درباره زندگی پادشاهانی که امام محمد جواد(ع)، هم‌زمان و معاصر آنان بود، به‌خاطر ارتباط محکم و پیوند موضوعی میان آن و زندگی حضرت است؛ زیرا میزان گرفتاری‌هایی را که امام(ع) با آن دست و پنجه نرم می‌کرد و نیز گرفتاری‌ها و مشکلاتی را که امت اسلام در زمان آن پادشاهان که در جهت ستم کردن به مردم تلاش می‌کردند و آنان را به



کارهایی که خوشایندشان نبود مجبور می‌کردند، متحمل می‌شد، به تصویر می‌کشد.

امام جواد(ع)، بیشترین دوران زندگی خویش را در زمان مأمون که از اندیشمندترین و سیاست‌مدارترین پادشاهان عباسی و توانمندترین‌شان در غلبه بر حوادث بود، سپری کرد. ما به شکل موضوعی، شخصیت او و حوادث سیاسی پیش آمده در زمان وی را بررسی کرده‌ایم که بارزترین آن‌ها عبارتند از: سپردن ولایت‌عهدی به امام رضا(ع)، جنگ‌های ویرانگری- که میان او و برادرش امین درگرفت، واقعه ابوسریا و وقایع دیگر. همچنین عواملی که مأمون را واداشت تا دخترش ام فضل را به همسری امام جواد(ع) درآورد، را ذکر کرده‌ایم. علاوه بر این، زندگی معتصم عباسی را نیز بررسی کرده‌ایم؛ همان کسی که در زمان خود شدیدترین اقسام ستم‌ها را در حق امام(ع) روا داشت و ایشان را مجبور ساخت تا یثرب را ترک کرده و به اقامت اجباری در بغداد تن دهد و جاسوسانی گماشت تا تمام فعالیت‌های حضرت را زیر نظر گرفته و مراقب تمام کسانی که با ایشان ارتباط برقرار می‌کنند، باشند. وی هنگامی که به شخصیت والای امام(ع) پی برد و دانست که تحت حمایت ایشان قرار نمی‌گیرد و نیز فهمید که حضرت با او همکاری نکرده و سیاستش را که در پی نشر ظلم و فساد بر روی زمین بود، تأیید نمی‌کند، در این زمان بود که به دست همسرش، ام فضل ایشان را مسموم کرده، به قتل رساند در حالیکه در دوران شکوفایی عمر و عنفوان جوانی به سر می‌برد. این کتاب، همه مسائل مزبور را به تفصیل بیان می‌دارد.

۸) خدمتی را برتر از ترویج زندگی ائمه اهل بیت(ع) و پراکندن افتخارات و نشر فضایل آنان در میان مردم، سراغ ندارم که منفعتش عاید این امت شود؛

زیرا آنان (سلام الله علیهم) منبعی حقیقی و خالص برای کرامت و شرافت انسان و چشمه‌های جوشانده تفکر و آگاهی‌اند، نه فقط برای این امت بلکه برای تمام مردم، با وجود تمام تفاوت‌هایی که در قومیت‌ها، باورها، تمایلات و... دارند. اهل بیت(ع)، پرچم حقیقت را به اهتزاز درآوردند؛ پرچمی که گمراه را به راه راست هدایت می‌کند، سرگشته را از سرگشتگی به در می‌آورد، مقصد را روشن می‌سازد و بر ایمان به خداوند که هر خیر و صلاح در روی زمین بر آن استوار است، رهنمون می‌شود.

کاوش درباره زندگی ائمه اهل بیت(ع)، پرده برداشتن از گنج‌های فروزان علم و حکمت و معرفی کردن ذوات مقدسی است که خود را برای حق خالص کرده، آفرینش‌شان برای ایمان بوده، به خداوند متعال توجه داشته و دعوت به سوی او را برعهده گرفتند و در این راه، رنج‌هایی را به جان خریدند که هیچ مصلح اجتماعی در روی زمین، آن را متحمل نشده بود. امام جواد(ع) یکی از ستارگان این عترت طاهرینی است که کلمه الهی را برافراشتند و به همین خاطر، سخت‌ترین امتحانات را که فرعونیان و طاغوتیان زمان او با انواع بی‌رحمانه از فشارها و ستم‌ها بر ایشان تحمیل می‌کردند، پشت سر نهاد. این کتاب، تمام این جوانب را شرح داده است.

۹) کتابخانه‌های عربی از وجود کتابی درباره زندگی امام جواد(ع) که از اندیشمندان و دانشوران در اسلام و یکی از مفاخر این امت و از زمامداران طلایه دار آن قلمداد می‌شود، خالی بود و هیچ کس، کتابی درباره سیره ایشان ننوشته است جز «محمد بن وهبان» که کتابی راجع به زندگی آن





حضرت تألیف نموده و آن را «أخبار أبي جعفر الثاني» نام نهاده است^۱؛ اما این کتاب در کتابخانه‌های ما وجود ندارد و شاید از جمله نسخه‌های خطی این امت باشد که آن را از دست داده و یا اینکه در برخی از گنجینه‌های نسخ خطی در کتابخانه‌های جهان نگهداری می‌شود.

من به حمد الهی - توفیق یافتم تا درباره سیره این امام بزرگوار که دنیا را از فضائل، علوم، زهد و تقوای خود لبریز ساخته، به تحقیق و بررسی بپردازم؛ اما ادعا نمی‌کنم که از تمام جوانب زندگی حضرت مطلع شدم زیرا این ادعا با واقعیتی که به آن اعتقاد داریم، سازگار نیست بلکه [در این کتاب] برخی از ویژگی‌های شخصیت ایشان را که همان امتداد ذاتی زندگی اجداد طاهریش، همانان که حیات فکری و اجتماعی در اسلام را روشن ساختند، محسوب می‌شود، به اختصار شرح می‌دهم.

۱۰) در پایان این مقدمه، وظیفه خود می‌دانم که از برادرم حضرت حجة الاسلام، علامه بزرگ، شیخ هادی قرشی که به خود زحمت داد و به موسوعه‌ها مانند: وسائل الشیعه و کتب دیگری که معلومات فراوانی درباره زندگی امام جواد(ع) در اختیار ما قرار داد، مراجعه نمود و نیز به خاطر ملاحظات ارزشمند او درباره این کتاب، صمیمانه تقدیر و تشکر نمایم و از خداوند متعال می‌خواهم که ایشان را از ذخائر فضل و علم قرار دهد... همچنین وظیفه خود می‌دانم که از فرزند فرهیخته و شریفمان، سید عبدالرسول فرزند سید رضا حسینی صائغ، به خاطر مشارکت در هزینه چاپ نخست این کتاب تجلیل نمایم و از خدای تعالی می‌خواهم که او را به هر تلاش نیکویی موفق بدارد.

^۱ الذریعه، ۱، ۳۱۵؛ الاعلام، ۷، ۱۱۵.

تولد و رشد و نمو ایشان

پیش از آنکه به بررسی ویژگی‌های شخصیت امام جواد(ع) بپردازم و از سیره و سایر شوؤنات مربوط به ایشان آغاز سخن کنم، درباره اجداد والا مقام امام و مباحث مرتبط با زندگی ایشان مانند بیان ولادت، ابعاد شخصیت و موارد دیگر مطالبی بیان می‌کنم که این مطالب، به منزله کلیدی است تا بحث را شروع کرده و درباره شخصیت این امام بزرگوار سخن بگویم. مباحث زیر در راستای امر مزبور است:

خاندان برجسته

در میان همه نژادها، نژادی بهتر و برتر از نژاد امام جواد(ع) وجود ندارد. ایشان از خاندان نبوت است و این خاندان از بزرگترین خاندان‌های است که بشریت در تمام زمان‌ها به خود دیده است؛ خاندانی که فضیلت و کمال را در جهان گسترانیده و ابعاد زندگی را به نور علم و ایمان روشن ساخته است. سلاله و نسب بزرگوار و ارحام پاکی که از این خاندان منشعب شده است عبارتند از:

پدر

پدر ایشان، امام رضا(ع)، علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن حسین بن علی بن ابیطالب(علیهم السلام)، همان سلسله ذبیه است که اگر نام آنان بر کران و لالان خوانده شود چنان که مأمون عباسی می‌گوید^۱ - هر آینه به اذن خداوند عزوجل شفا پیدا می‌کنند. امام احمد بن حنبل می‌گوید:

^۱ عیون أخبار الرضا: ج ۲، ص ۱۴۷



«اگر نام افرادی را که در این سلسله سند ذکر شده، بر انسان دیوانه ای بخوانند، هر آینه از دیوانگی شفا پیدا می‌کند.»^۱ ابوالعلاء معری، که نسبت به اکثر مردم بدبین است، درباره بعضی از بزرگان این خاندان کریم می‌گوید: انسانهایی که خداوند نور آنان را تابنده تر کرد، پیش از آنکه مریخ، میزان و آسمانها را خلق کند و افلاک در آسمانها به گردش درآیند. امام جواد(ع) از این خاندان بوجود آمده است؛ خاندانی که در پیشگاه الهی پاک و بلند مرتبه و نزد هر مسلمانی عزیز هستند.

مادر

بانوی دانشمند و بزرگوار، مادر امام جواد(ع) از نظر عفت، پاکدامنی و تعالی اخلاقی، از سروران زنان مسلمان بود و درباره بزرگی و شرافت او همین بس که کسی را به دنیا آورده که از شخصیت‌های ممتاز و سرشناس دین اسلام و پیشوایی از پیشوایان مسلمانان بود. کنیز بودن مادر امام(ع) نیز از شأن و مقام او نمی‌کاهد و یا کرامت اش را خدشه دار نمی‌سازد؛ چرا که اسلام با این پدیده مبارزه کرده و آن را از نشانه‌های زندگی جاهلی قلمداد نموده است. اسلام زندگی جاهلی را ریشه‌کن ساخت و نشانه‌هایش را از بین برد و تقوا و پیروی از دستورات خداوند را تنها عامل فضیلت و برتری دانست و برای سایر امور بی ارزش و فناپذیر، اعتباری قائل نشد.

اسلام با افتخار و سربلندی تمام، همه انواع تبعیضات نژادی را لغو کرد و آن را از مهم ترین عوامل عقب ماندگی و انحطاط جامعه قلمداد نمود؛ چرا که این تبعیضات نژادی سبب تفرقه و پراکندگی و آفت وحدت و همگرایی بود.

^۱ الصواعق المحرقة: ص ۲۰۷.



به همین دلیل، امامان اهل بیت (ع) در ازدواج با کنیزان شتاب کرده تا این فریادهای نفرت‌انگیز را ریشه‌کن ساخته و عوامل تفرقه میان مسلمانان را از میان بردارند. امام زین العابدین و سید الساجدین (ع)، با کنیزی وصلت نمود و او شهید جاوید و منتقم بزرگ، زید بن علی را به دنیا آورد. امام رضا (ع) نیز با کنیزی ازدواج کرد و او پیشوایی از پیشوایان مسلمانان، امام جواد (ع) را به این عالم آورد. موضع امامان در ازدواج با کنیزان، این بود که در مقابل دشمنان اسلام که سعی در ایجاد تفرقه میان مسلمانان داشتند، واکنشی قاطع از خود نشان دهند.

اما درباره نام بانو، مادر امام جواد (ع)، میان راویان اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی از اقوال عبارتند از:

۱- خیزران؛ این نام را امام رضا (ع) برای او برگزیده و قبل از آن، درّه نامیده می‌شد.^۱

۲- سکینه نوبیه یا مریسه؛^۲ برخی گفته‌اند: او از تبار ماریه قبطیه همسر رسول الله (ص) بوده است.^۳

۳- ریحانه^۴

۴- سبیکه^۵

^۱ بحر الأنساب: ج ۲ ص ۱۹ من مصورات مكتبة الإمام أمير المؤمنين، دلائل الإمامة: ۲۹، ضیاء

العالمین: ج ۲، مخطوطات مكتبة الحسينية الشوشترية

^۲ الفصول المهمة: ص ۲۵۲، تذكرة الخواص لابن الجوزي: ص ۳۲۱.

^۳ المقنعة: ص ۴۸۲.

^۴ دلائل الإمامة: ص ۳۰۹.

^۵ الإرشاد: ص ۳۵۶.

برخی از منابع، ذکر اسم ایشان را جدی نگرفته و به همین مقدار اکتفا کرده‌اند که نام او "ام ولد" ^۱ بوده است. به هر حال، چندان اهمیتی ندارد که درباره اسم او بحث کنیم. متأسفانه منابعی که در دسترس ماست به هیچ بخشی از بخشهای زندگی ایشان اشاره نکرده‌اند.

نوزاد با عظمت

امام رضا(ع) به این بانوی بزرگوار، که خدمتکارش بود، بسیار توجه نموده و او را بسیار تکریم می‌کرد. حضرت از پس پرده غیب دیده بود که این کنیز به زودی برای او فرزندی به دنیا می‌آورد که خداوند این فرزند را برای امامت و نیابت عامه پیامبر اعظم(ص) برگزیده و یکی از اوصیاء دوازده‌گانه اوست. امام رضا(ع) این مطلب را به یاران برجسته خود فرموده بود.

امام رضا(ع) به خواهر خود، حکیمه دختر امام موسی بن جعفر(ع)، این بانوی ارجمند سپرد تا از خدمتکار او خوب نگهداری کند و همراهش باشد تا زمانی که فرزند را به دنیا آورد. ^۲ بانو حکیمه نیز درخواست امام رضا(ع) را اجابت نموده و هنگامی که کنیز احساس کرد فرزند در حال متولد شدن است، حضرت خواهرش را امر فرمود تا قابله را برای به دنیا آمدن فرزند حاضر کند و خودش برخاست و چراغی در خانه نهاد ^۳ و پیوسته انتظار این نوزاد بزرگ را می‌کشید. لحظاتی نگذشته بود که کنیز او کسی را به دنیا آورد که از اندیشمندان و مجاهدان بزرگ در راه اسلام بود.

^۱ عمده الطالب: ص ۱۸۸.

^۲ دلائل الإمامة: ص ۲۰۹.

^۳ مختصر البحار فی أحوال الأئمة - لنور الدین - مخطوطات مکتبه کاشف الغطاء.

سرور و خوشحالی امام رضا (ع)

به خاطر تولد این نوزاد مبارک، موجی از خوشحالی و سرور امام رضا (ع) را فراگرفت و فرمود: «فرزندی برای من به دنیا آمده است که مانند موسی بن عمران شکافنده دریاهاست و مانند عیسی بن مریم، مادرش مقدس و محترم است...»^۱ و رو به سوی یارانش نمود و آنان را به فرزندش بشارت داده، فرمود: «هر آینه خداوند به من کسی را ارزانی داشته است که از من و آل داود ارث می برد...»^۲ و به اصحابش شناساند که این نوزاد، امام بعد از اوست و با خوشحالی وصف ناپذیر به دیدن این نوزاد عظیم رفت؛ زیرا این نوزاد کسی بود که رهبری معنوی و دنیوی این امت انتظارش را می کشید. دعبیل خزاعی، شاعر اهل بیت^۳ نیز در آن مجلس حاضر بود و در شادی و سرور اهل خانه به خاطر به دنیا آمدن امام ابوجعفر (ع) مشارکت نمود.

آداب و رسوم ولادت فرزند

امام رضا (ع) شتابان به سوی نوزاد مبارکش رفت و او را در آغوش گرفت و آداب شرعی تولد را درباره او اجرا نمود. پس در گوش راست وی اذان و در گوش چپ اقامه گفت، سپس او را در گهواره نهاد.^۴

^۱ بحار الأنوار: ج ۱۲، ص ۱۰۳.

^۲ بحار الأنوار: ج ۱۲، ص ۱۰۴.

^۳ جامع الرواة: ج ۲، ص ۳۱۱.

^۴ مختصر البحار فی أحوال الأئمة.

